گزارش

زهرا چیذری

نارسایی کلیوی بیماری مادرزادی گربه‌سان سلبریتی

طبق گزارش دامپزشک آفریقایی پیروز از ابتدا مشکل نارسایی کلیوی داشته‌است

نارسایی کلیوی از همان ابتدا همراه پیروز بوده‌است! سند این ادعا هم گزارش دامپزشک آفریقایی است، که تاریخ و امضای آن متعلق به ۴ خرداد ماه یعنی همان روزهای نخست تولد پیروز است، اما شاید تصاویر به نمایش درآمده از جست و خیز و شیطنت‌های پیروز این سلبریتی گربه‌سانان موجب شد تا همه به اشتباه بیفتند. پیروز نمادی از امید در میان ایرانیان بود و حالا با مرگش برخی افراد به‌ویژه برخی جریانات رسانه‌ای سوگوار از دست دادن پیروز شدند. مرگ پیروز به عنوان یک جاندار و به خصوص یک گونه در معرض انقراض موضوعی غم‌انگیز است، اما بی تردید اگر از همان ابتدا واقعیت بیماری پیروز به مردم گفته می‌شد، از بار تراژیک مرگ پیروز می‌کاهید. در حالی که برخی به دنبال سلبریتی‌سازی از پیروز بودند و شاید همین تلاش برای سلبریتی‌سازی و انتقال این حیوان به پارک پردیسان و بقیه ماجرا، آسیب بیشتری را به پسر ایران وارد کرد. با تمام اینها اما ایران دوباره باردار است و این یعنی همچنان می‌توان به حفظ نسل یوز آسیایی که حالا فقط چند قلاده‌ای از آن در ایران باقی مانده امیدوار بود.

با مرگ پیروز اگرچه پروژه تکثیر یوز در اسارت به شکست منتهی شد، اما تلاش‌ها برای درس گرفتن از این شکست آغاز شد. کالبدشکافی پیروز یکی از این تلاش‌ها بود.

نارسایی کلیوی مادرزادی

نارسایی کلیوی پیروز موضوعی است که در خرداد امسال وقتی دکتر پیتر کالدول از مرکز پرورش یوزپلنگ آفریقایی برای مشاوره و ویزیت «پیروز» به ایران آمد، مشخص شد.

طبق گزارش این دامپزشک، که تاریخ و امضای آن متعلق به ۴ خرداد ماه است، تأیید می‌شود پیروز از همان ابتدا مبتلا به نارسایی کلیه است. براساس این گزارش و آنچه پیام محبی، دامپزشک به خبرآنلاین گفته‌است از ابتدا آنتی‌بیوتیکی که برای پیروز تجویز شده، اشتباه بوده‌است و همین موضوع می‌تواند یکی از دلایل مهم ابتلای توله یوز به نارسایی کلیه باشد.

محبی با اشاره به همین موضوع ادامه می‌دهد:«همه چیز نشان می‌دهد پیروز از ابتدا این مشکلات را داشته، اما سعی می‌شد تصویر دیگری از این حیوان به نمایش درآید، یعنی مخاطب مدام با تصاویری از پیروز روبه‌رو بود که نشان می‌داد پیروز در حال بازی است و نمای پشت آن هم برج میلاد است و خب این همه نمایش برای چه بود، وقتی پیروز از ابتدا چنین مشکلاتی داشت؟»

اظهارات دکتر فرهنگ ساسانی، استاد دپارتمان پاتولوژی دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران درباره نتیجه پاتولوژی پیروز هم این موضوع را تأیید می‌کند. وی در این‌باره اینگونه توضیح می‌دهد:«سه ساعت انجام کالبدگشایی به طول انجامید و آنچه مواجه شدم، این بود که نشان داده پیروز از سنین پایین مشکلات داشته و هر دفعه با مشکلی مواجه بوده و در کل بیماری‌های آن به مشکلات سیستمی پیروز بر می‌گردد.»

به گفته ساسانی همچنین بررسی کالبدگشایی نشان می‌دهد پیروز رشد خوب و کافی نداشته ولی عضلات آن حکایت از فعالیت بدنی خوب دارد.

شرایط جسمی نامناسب پیروز از بدو تولد

حسن اکبری، معاون محیط‌زیست طبیعی سازمان حفاظت محیط‌زیست هم با اشاره به وضعیت سلامت پیروز هنگام تولد و همچنین مرگ برادرانش می‌افزاید:«توله سوم که بعدها پیروز نام گرفت، در شرایط جسمی نامناسبی به تهران رسید. کمبود شدید آب بدن و یبوست جدی از مشکلات این توله بود. بلافاصله تحت درمان قرار گرفت، اما مرتباً مشکلات متعددی برای این توله پیش می‌آمد و با استفاده از ظرفیت‌های موجود دامپزشکی تحت درمان قرار می‌گرفت. به همین خاطر برای درمان بهتر و استفاده از تجربه مشاوران خارجی در نگهداری پیروز، دکتر پیتر کالدول دامپزشک با تجربه آفریقای جنوبی به ایران دعوت شد.»

به گفته وی با حضور دکتر کالدول، دامپزشک آفریقای جنوبی پیروز مورد معاینه قرار گرفت و علاوه بر درمان موقت یبوست و سایر مشکلات جسمی پیروز و تعویض شیر خشک و رژیم غذایی آن، نارسایی کلیوی نیز در آزمایشات خون تشخیص داده و برای درمان آن دارو تجویز شد. اکبری با اشاره به کالبدگشایی و آزمایشات پاتولوژی همچنین بررسی و مستندسازی روند درمان و داروهای تجویزی قبلی می‌افزاید:«با مراجع ذیصلاح هماهنگی خواهد شد تا علاوه بر اطلاع‌رسانی کامل‌تر پیرامون علت مرگ، با هرگونه کوتاهی احتمالی برخورد لازم انجام شود.»

رئیس بیمارستان دامپزشکی: بدون مشورت دارو تجویز نکردیم

رئیس بیمارستان دامپزشکی مرکزی تهران در جلسه ویژه فراکسیون محیط‌زیست مجلس شورای اسلامی درباره علت مرگ پیروز با تأکید بر اینکه عامل مرگ پیروز قطعاً نارسایی کلیه است، گفت:«هیچ تشخیص یا تجویز دارویی را بدون مشورت انجام ندادیم. همه روند درمان با نظر دکتر باستانی و کالدول انجام می‌شد.»

یک پیروزی و یک شکست!

علی سلاجقه، رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست هم در حاشیه جلسه هیئت دولت در جمع خبرنگاران در رابطه با مرگ پیروز ضمن تأکید بر اینکه فرآیند تولد پیروز کاملاً آزمایشی و در دنیا بی‌سابقه بود، افزود:«پیروز، چون شیر مادر مصرف نکرده‌بود، از لحاظ بنیه‌ای ضعیف بود و در این ۱۰ ماه در شرایط قرنطینه‌ای قرار داشت و مشکلاتی از قبیل مشکلات گوارشی و یبوست و این اواخر مشکلات کلیوی داشت و این حیوان حتی در اسکلت و استخوان‌بندی هم مشکل داشت.»

رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست ضمن اشاره به اینکه تکثیر در اسارت یک بحث آزمایشگاهی است، ادامه داد:«دنیا هم تجربه کمی در این رابطه دارد و عده‌ای از متخصصان و دوستداران حیات‌وحش معتقدند که تکثیر در اسارت به ویژه برای گونه یوز انجام نمی‌شود.»

سلاجقه ضمن اشاره به اینکه ما برای پیروز تمام امکانات سازمان محیط‌زیست کشور را در تراز عالی به خدمت گرفتیم، گفت:«هفت یوز ماده به صورت طبیعی در کشور دیده شده که هر کدام از آنها دو توله یوز همراهشان بوده‌است و بعد از مدت‌ها هم یک یوز نر در استان اصفهان دیده‌شده و وضعیت یوزها در دو سال اخیر بهبود پیدا کرده‌است.»

رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست همچنین حاملگی ایران را تأیید کرد.

گفت‌وگو

سجاد آذری

روانشناسان در گفت‌وگو با «جوان» مطرح کردند

به‌سوی «آرامش طبیعت» فرار کنید!

یک سال پر از مشکلات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مختلف در حال به پایان رسیدن و ایام عید نوروز در حال نزدیک‌شدن است. در شرایطی که جامعه به تازگی از شرایط کرونا خارج شده و اکثر محدودیت‌های این بیماری منحوس نیز برداشته‌شده، زمان مناسبی پیش‌رو است تا بعد از مدت‌ها فضای باز خارج شهر جایگزین شلوغی و پیچیدگی‌های شهری شود. به منظور بررسی ضرورت روانی رفتن به طبیعت مخصوصاً در فرصت تعطیلات نوروز، به سراغ دو نفر از روانشناسان شناخته شده رفته‌ایم و در گفت‌وگوی «جوان» با سیما فردوسی و علیرضا شریفی یزدی زوایای مختلف این مسئله را بررسی کرده‌ایم که در ادامه ارائه می‌شود.

سیما فردوسی

روانشناس

نزدیک عید نوروز هستیم و یکی از سنت‌های زمان عید، رفتن به طبیعت و طبیعت‌گردی است. این سفر کردن و طبیعت‌گردی، به کوه، کنار دریا و صحرا رفتن چه مقدار از نظر روانشناسی اهمیت دارد و چه تأثیری می‌تواند بر روح و روان افراد داشته‌باشد؟

همیشه این گردشگردی و طبیعت‌گردی از نظر روانشناسی مدنظر بوده‌است، حتی کسانی که راجع به استرس کار کرده و تحقیقات زیادی در این خصوص داشته‌اند به این مسئله توجه و توصیه کرده‌اند که رفتن به طبیعت و انرژی گرفتن از طبیعت می‌تواند به عنوان یکی از اهداف آنی و فوری برای هر فرد باشد.

انرژی گرفتن از طبیعت، رود، دشت و صحرا مدنظر است و طبیعت با زیبایی‌هایی که دارد می‌تواند خیلی در روحیه انسان تأثیر بگذارد، حتی توصیه کرده‌اند به طبیعت بروید و فقط به طبیعت چشم بدوزید، حتی می‌توان از طبیعت درس بگیرند؛ مثلاً می‌توان از کوه استقامت، از رود جاری بودن زندگی و از خیلی دیگر از بخش‌های آن درس گرفت. آن آرامشی که انسان در طبیعت می‌گیرد، موجب می‌شود خیلی از هورمون‌های نشاط‌آور تولید بیشتری در بدن داشته باشند و به یک خلق بهتر کمک می‌کند.

این آرامش‌بخشی طبیعت موجب‌شده به محض اینکه تعطیلاتی پیش می‌آید، مردم خیلی به طبیعت‌گردی توجه کنند و می‌خواهند از شهر، هیاهو، سروصدا، آلودگی و همه این مسائل دور باشند، فوراً به سوی خارج از شهر می‌روند و می‌خواهند از آنجا انرژی کسب و آرامش پیدا کنند.

همین موضوعی را که اشاره کردید، در بسیاری از شهرها مخصوصاً تهران شاهد هستیم. وقتی تعطیلاتی اتفاق می‌افتد، مردم به سمت شمال و سبزی آن می‌روند. برخی معتقدند این میل به سبزی در ژنتیک انسان نیز وجود دارد، آیا این آرامش فقط در سبزی کنار جنگل و دریا ایجاد می‌شود یا می‌توان از دیگر جاها نیز آرامش گرفت؟

بله می‌شود جاهای دیگر نیز رفت، ولی چون طبیعت با سبزی و رویش مجدد برگ‌های درختان همراه است و این رنگ سبز یادآور طبیعت جوان برای انسان است، انرژی بیشتری از آن می‌گیرد، چون وقتی که به طبیعت نگاه می‌کنید، بیشتر رنگ سبز می‌بینید، البته می‌شود به جاهای دیگر رفت، خیلی‌ها حتی به کویر می‌روند و از کویر لذت می‌برند، منتها در کشور ما مخصوصاً برای کسانی که در تهران زندگی می‌کنند در دسترس‌ترین جایی که خوش آب‌وهوا باشد و مناظر زیبا داشته‌باشد، شمال است؛ آنجا جنگل، دریا، رود، کوه، دشت و همه اینها را با هم دارد و طبیعت بسیار زیبایی هم دارد، مخصوصاً در فصل بهار که زیبایی دو چندان می‌شود و افراد از آن لذت می‌برند.

رنگ سبز و سبزه یک نشاط خاصی را به افراد می‌دهد و به این دلیل این مقدار مورد استقبال است و حتی افرادی که در جاهای دیگر کشورمان نیز زندگی می‌کنند، وقتی به طبیعت‌گردی می‌روند، می‌بینید باز هم به دنبال جایی هستند که آب، سبزه و درخت باشد، بیشتر به این گونه مناطق تمایل دارند و از آن انرژی بیشتری کسب می‌کنند.

برخی می‌گویند اگر قرار باشد آرامشی از طبیعت بگیرند، باید تنها باشند و جدا از همه به کوه یا دشتی بروند؛ حالا این تنهایی برای افراد آرامش بخش‌تر است یا با جمع بودن؟

بستگی دارد به روحیه طرف و اینکه چه مقدار تحت استرس بوده‌است، بعضی از مواقع آنقدر مسائل زندگی به انسان فشار وارد می‌کند و آنقدر در تعامل با دیگران ممکن است فشار ایجاد شود که فرد تمایل پیدا می‌کند به تنهایی سفر کند و دیگر دوست ندارد هیچ حرف و حدیثی بشنود، دلش می‌خواهد تنها با طبیعت باشد و آرامش بگیرد. در یک مقطعی ممکن است فرد اینگونه آرامش پیدا کند، ولی موارد دیگر هم هست که در جمع بودن می‌تواند انرژی بیشتری به فرد بدهد، این بستگی به روحیات، خلقیات و شرایطی دارد که فرد در آن قرار گرفته‌است. مهم این است که شرایط چگونه بوده و استرس‌ها چطور به او فشار آورده که می‌خواهد تنها باشد.

خب این تنهایی برای یک مدتی خوب است یا مثلاً اشکال ندارد افراد بخواهند حتی برای طبیعت‌گردی هم همیشه تنها باشند؟

مشکلی نیست، ولی زیاد هم جالب نیست که ما توصیه کنیم، افراد همیشه تنها باشند. یک جمع صمیمی به انسان خیلی آرامش می‌دهد، جمعی که همه با هم همفکر و هم‌رأی باشند، پشتیبان هم باشند و از هم حمایت کنند، ساز مخالف در این جمع زده نشود. این جمع به شما انرژی می‌دهد، ولی اگر جمعی باشد که قرار است در آن مخالفت باشد، آدم‌ها سر به سر هم بگذارند، افرادی که شخصیت‌های ناجور دارند به هم انرژی منفی بدهند،چنین جمعی خوب نیست. جمع صمیمی که انرژی مثبت به انسان بدهد، خیلی عالی است.

اینکه گفته می‌شود طبیعت‌گرایی و میل به سبزی در ژنتیک انسان نهادینه است، چقدر واقعی است؟

در ژنتیک انسان تمایل به آرامش وجود دارد. تمایل و گرایش به طبیعتی که به انسان آرامش بدهد، وجود دارد و اصولاً می‌بینید که قریب به اتفاق انسان‌ها تمایل به طبیعت دارند، پس این باید یک چیز ذاتی در انسان باشد، مگر کسانی که مشکل داشته و انزواطلب باشند نخواهند از طبیعت استفاده کنند.

یعنی اگر کسی احساس می‌کند دوست دارد تعطیلات عید را فقط در خانه بماند و فقط در چار دیواری باشد، باید نسبت به شرایط روحی خود نگران باشد؟

بله همینطور است، ولی باز اینجا هم یک استثنا وجود دارد که باید در نظر بگیرید، مثلاً گاهی مواقع می‌بینید یک فردی است که آنقدر در طول سال از نظر کاری و فشار تحت استرس بوده‌است که دوست دارد در این تعطیلات عید آرامشی به خودش بدهد و در خانه بماند و از هیاهو دور باشد. به همین دلیل باید استثنائات را در نظر بگیریم و نمی‌توانیم بگوییم هر کسی که تمایل به خانه ماندن داشته‌باشد، حتماً یک اختلالی دارد، ولی به هر حال اگر جنبه کلی را در نظر بگیریم، انسان‌ها باید گرایش به بیرون رفتن، تعامل داشتن و طبیعت‌گردی داشته‌باشد و اگر یک نفر در تمام مدت چنین حالتی دارد که می‌خواهد در خانه بماند و انزواطلبی و گوشه‌نشینی را بیشتر دوست دارد، از دیگران کناره می‌گیرد یا مردم‌گریزی دارد، آن زمان باید به سلامت روانی او شک کرد.

اگر مطلبی مانده که باید گفته شود، استفاده می‌کنیم.

فقط من آرزو می‌کنم که همه ایام خوبی داشته‌باشند و ان‌شاءالله این چهارشنبه سوری که اولین مناسبتی است که در پیش داریم، امسال به خیر و خوشی بگذرد و ما شاهد اتفاقات بد نباشیم و مردم سعی کنند این را هم به عنوان یک سنتی که همیشه بوده و مردم از آن لذت می‌برند، نگه دارند، به جای اینکه حوادث خیلی ناجوری اتفاق بیفتد.

علیرضا شریفی یزدی

روانشناس

با توجه به اینکه نزدیک تعطیلات نوروز هستیم، در این فرصت تعطیلات رفتن به طبیعت، کوه و صحرا چه ضرورتی دارد و چه تأثیر روحی و روانی می‌تواند برای افراد داشته‌باشد؟

از بعد روانشناسی این بحث در بخش روانشناسی اوقات‌فراغت و تفریح جا می‌گیرد. خلاصه بحث آن نیز اینگونه است که انسان اساساً و ذاتاً موجود طبیعی است یعنی از دل طبیعت برآمده‌است و ذات اقدس الهی ما را طبیعت‌گرا آفریده‌است و تجربه نشان داده وقتی به اصل خود برمی‌گردیم در دامن کوه، کمر، دریا، جنگل و صحرا قرار می‌گیریم به لحاظ روانی احساس امنیت و آرامش می‌کنیم.

زندگی شهری به شدت تصنعی است. این آپارتمان‌های تنگ و تاریک، این ساختمان‌های فشرده و جنگل آهن، ترافیک و امثال اینها در حالی است که اصلاً مغز و بدن انسان برای چنین چیزی ساخته نشده‌است. ما برای طبیعت ساخته شده‌ایم، در نتیجه وقتی از ایام تعطیلات، مانند تعطیلات عید استفاده کنیم و بتوانیم به دامن طبیعت برویم، اولین ویژگی مثبتی که برای ما دارد، کاهش افسردگی، اضطراب، وسواس فکر، افکار منفی، نشخوار فکری و افزایش حس آرامش است.

از بعد اجتماعی هم تنش‌های اجتماعی همیشه در زندگی انسان هست و معدل این تنش در جامعه ایرانی نسبت به جوامع دیگر مقداری بیشتر است که دلایل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و حتی دلایل آموزشی و بهداشتی دارد، مخصوصاً بعد از دوران کرونا وقتی حرکت می‌کنیم و به تفریح می‌پردازیم، کاهش تنش‌های اجتماعی را به همراه دارد و موجب افزایش امید به زندگی می‌شود، کمک می‌کند ما از آن چارچوب عادت کرده همیشگی یعنی منزل-محل کار و محل کار-منزل بیرون بیاییم و این خیلی کمک می‌کند تا اولاً خود ما آرام بگیریم، ثانیاً این جنس مراوده‌ها موجب همدلی و انسجام می‌شود؛ یعنی وقتی که مثلاً یک فارس به یک منطقه ترک‌نشین می‌رود یا یک ترک به یک منطقه کردنشین می‌رود، این تعامل‌ها موجب می‌شود در جامعه انسجام اجتماعی بالا رود و کمک می‌کند این همدلی اجتماعی افزایش پیدا کند. این همان چیزی است که این روزها جامعه ما به شدت به آن نیاز دارد و اگر شما در صحبت‌های بزرگان نیز به آن دقت کنید، زیاد بر این تأکید دارند که حرکت به سمت همدلی باشد، چون پاشنه‌آشیل ما نیز در همین همدلی است و اگر این مسئله کم شود، می‌تواند خدای ناخواسته برای ما معضل و مشکل ایجاد کند.

در حالی که برخی معتقد هستند من باید تنهایی به طبیعت بروم تا آرامش پیدا کنم، به طبیعت رفتن باید فردی باشد یا خانوادگی و جمعی؟ چگونه به طبیعت رفتن بیشتر به انسان آرامش می‌دهد؟

از نظر روانشناسی فردی اگر این تفریح را با کسی که حالمان با او خوب است، انجام بدهیم تأثیرگذاری بیشتری دارد ولی از بعد جامعه‌شناسی به دلیل اینکه روابط بین اعضای خانواده یعنی بین زن و مرد یا بین پدر و مادر با فرزندان خیلی مفید است، چراکه به دلیل مشغله‌های ریز و درشتی که هر روز و هر ساعت وجود دارد، ممکن است در طول سال خیلی فرصت نکنیم با یکدیگر وقت بگذرانیم و خیلی فرصت نکنیم با هم گفت‌وگو کنیم، به همین دلیل در دوره عید نوروز یا هر تعطیلات دیگری که داریم باید از این فرصت استفاده کنیم. این زمان فرصت مناسبی برای افزایش ارتباطات بین فردی است که بین زن و شوهر، والدین با بچه‌ها، خواهر و برادر یا حتی بین دوتا دوست ممکن است باشد و اگر اینگونه بخواهیم به موضوع نگاه کنیم، حقیقت ماجرا این است که با دیگران بیرون رفتن خیلی کمک‌کننده است. شاید تنهایی بیرون رفتن در کوتاه‌مدت به ما یک آرامشی بدهد، ولی بیرون رفتن با کسانی که ما با آنها خوش هستیم و دوستشان داریم، حتی پدر و مادر، همسر و فرزند در بلندمدت موجب می‌شود آرامش خیلی عمیق‌تری از آن بعد فردی که در کوتاه‌مدت ممکن است نصیب ما شود، اتفاق بیفتد.

گفته می‌شود کوه، جنگل، صحرا یا دریا هر کدام می‌تواند آرامش‌بخش باشد، ولی برای انسانی که درگیر زندگی شهری است کدام یک از این موارد اولویت دارد؟

هر آن چیزی که آیتم‌های طبیعت را به ما می‌رساند، یعنی همه اینها، کوه، دشت، جنگل، دریا، صحرا و دیگر چیزهایی که زندگی ما را از زندگی شهری و زندگی مصنوعی درون آپارتمانی خارج می‌کند، همش می‌تواند چاره‌ساز و خوب باشد، ولی همه اینها یک شرطی دارد و آن این است که ما محیط‌زیست را به قیمت آرامش موقت خودمان تخریب نکنیم، یعنی ما اگر به جنگل یا کوه می‌رویم باید با محیط‌زیست مهربان باشیم تا این باقی بماند چون هم برای ماست و هم برای فرزندان و نسل‌های آینده است، ما به تنهایی نمی‌توانیم همه آن را استفاده و بی‌توجهی کنیم که متأسفانه گاهی شاهد هستیم مخصوصاً در سیزده‌بدرها اینگونه هست که مثلاً آتشی در جنگل روشن می‌شود و خاموش نمی‌شود و بعداً مشکلات متعددی را ایجاد می‌کند. می‌خواهم بگویم اگر می‌خواهیم این آرامش را پایدار داشته‌باشیم باید اجازه بدهیم که طبیعت هم آرام باشد.

مشخصاً منظورم این بود که برخی معتقد هستند ما وقتی می‌خواهیم از طبیعت آرامش بگیریم، سبزی طبیعت است که به ما آرامش می‌دهد و حتی برخی می‌گویند که این مسئله ژنتیکی است که طبیعت سبز به انسان آرامش می‌دهد و همین دلیل هم موجب می‌شود شمال رفتن یک اولویت طبیعت‌گردی مخصوصاً برای تهرانی‌ها محسوب شود، آیا فقط همین سبزی است که می‌تواند آرامش بدهد؟

این جمله بسیار درست است که ما به لحاظ ژنتیکی چون از دل طبیعت برآمده‌ایم، طبیعتاً طبیعت و مخصوصاً محیط و فضای سبز و همین‌طور صدای آب برایمان آرامش‌بخش است؛ یعنی شما اگر شبانگاه به کنار یک رودخانه بروید و خروش رودخانه، صدای موج دریا یا چک‌چک کردن چشمه را بشنوید، همگی شیوه‌های بسیار خوبی برای آرامش‌بخشی است، ولی در کنار مسئله ژنتیک مقداری هم این مسئله سلیقه‌ای است؛ یعنی بعضی از افراد به کویر می‌روند، آن سهمگینی، آن سکوت، آن عظمت، آن میدان دید وسیع کویر در روز و آن شفافیت آسمان و ستاره‌ها و تلألو مهتاب به عنوان آفریده‌های ذات اقدس الهی و آن خنکای باد شب کویر به همان اندازه می‌تواند به ما آرامش و طمأنینه‌ای بدهد که بتوانیم با آن از تنش‌های روزانه زندگی دور باشیم.

مسئولیت اجتماعی

حسین سروقامت

۸۰۸

استاد محمود مختاریان پدیده برجسته «سواد رسانه‌ای» عبارت جالبی دارد: «رسانه اول رسانه مکتوب است... شیر مادر عامل رشد است، شیر خشک چیزی ندارد. من رسانه‌های صوتی، تصویری را شیر خشک می‌دانم. وقتی کتاب با شماست، شیر مادر به شما می‌رسد!»

در یکی از همین کتاب‌ها خواندم که...

هوکایدو جزیره شمالی ژاپن روستایی دارد به نام شیراتاکی. مدیر ایستگاه قطار شیراتاکی به راه آهن ژاپن می‌نویسد که اینجا روزانه فقط یک نفر از قطار استفاده می‌کند. می‌ارزد که ما به یک نفر خدمات بدهیم؟

می‌پرسند او چه کاره است؟ مدیر شیراتاکی می‌نویسد: «دانش‌آموز دبیرستان.»

از آموزش و پرورش استعلام می‌کنند که تحصیلات او کی تمام می‌شود؟ پاسخ می‌دهند سه سال دیگر!

مدیر راه آهن دستور می‌دهد تا سه سال بعد باید قطار برای آن تک‌دانش‌آموز در ایستگاه بایستد!

سخن دیگری می‌ماند؟!

ویژه

آغاز جشن نیکوکاری از چهاردهم اسفند

معاون توسعه مشارکت‌های مردمی کمیته امداد گفت: جشن نیکوکاری از چهاردهم اسفندماه در مدارس، مساجد و پایگاه‌های نماز جمعه سراسر کشور آغاز می‌شود.

حبیب‌اله آسوده، معاون توسعه مشارکت‌های مردمی کمیته امداد گفت: همزمان با سالروز تأسیس کمیته امداد و هفته احسان و نیکوکاری، جشن نیکوکاری از چهاردهم اسفندماه آغاز و در سراسر کشور اجرا خواهد شد. وی اظهار کرد: به برکت نام حضرت ولی‌عصر (عج) و نیمه‌شعبان، آغاز نمادین جشن نیکوکاری از مسجد مقدس جمکران خواهد بود. معاون توسعه مشارکت‌های مردمی کمیته امداد ادامه داد: امسال غرفه‌های نیکوکاری به مدت یک روز در سطح معابر برپا خواهد شد و همزمان با هدف ترویج فرهنگ احسان و انفاق در میان کودکان و نوجوانان، یک روز در مدارس نیز شاهد برپایی جشن نیکوکاری خواهیم بود. آسوده خاطر نشان کرد: همچنین در هفته‌های پیش‌رو، جشن نیکوکاری را در پایگاه‌های نماز جمعه سراسر کشور برگزار خواهیم کرد. وی با دعوت از مردم و خیران برای حضور در جشن نیکوکاری و کمک به نیازمندان در روزهای پایانی سال عنوان کرد: غرفه‌های سطح شهر، مساجد، مراکز نیکوکاری و دفاتر کمیته امداد در سراسر کشور آماده دریافت کمک‌های مردمی هستند. معاون توسعه مشارکت‌های مردمی کمیته امداد تصریح کرد: مردم نیکوکار می‌توانند با شماره‌گیری کد دستوری #۱۲* و شماره کارت ۱۹۱۹-۰۰۰۰-۹۹۷۹-۶۰۳۷ کمک‌های خود را برای خانواده‌های نیازمند واریز کنند.

گزیده

پیش‌بینی ۱۵۰۰ پایگاه امدادونجات جاده‌ای برای خدمات‌دهی به مسافران نوروزی

رئیس سازمان امداد و نجات هلال احمر از پیش‌بینی هزارو۵۰۰پایگاه و مرکز امداد و نجات در سراسر کشور برای خدمت به مردم و مسافران خبر داد.

بابک محمودی، رئیس سازمان امداد و نجات هلال احمر گفت: از سه ماه پیش جلسه‌های مستمر و متعددی در ستاد سفرهای نوروزی شکل گرفته‌است. حدود هزارو ۵۰۰ پایگاه و مرکز امداد و نجات در سراسر کشور پیش‌بینی شده‌است و در خدمت مردم و مسافران خواهندبود.

محمودی افزود: حدود ۱۹ هزار نفر نیروی امدادگر در این پایگاه‌ها مستقر خواهند شد که به نسبت سال گذشته ۴۵ درصد افزایش نیرو داریم؛ سال گذشته ۱۳ هزار نفر نیرو داشتیم. حدود ۳هزارو ۵۰۰ دستگاه خودروهای عملیاتی و امدادی در خدمت مردم خواهند بود.

وی ادامه داد: بر اساس پیش‌بینی‌های انجام‌شده امسال به نسبت سال گذشته ۱۰ درصد افزایش سفر نوروزی خواهیم داشت و امیدواریم با همکاری مردم و رعایت اصول ایمنی در سفر با حداقل حوادث روبه‌رو باشیم. محمودی گفت: متأسفانه در جاهایی که با افزایش تصادفات روبه‌رو بودیم، بیشترین عامل خطر عامل انسانی بوده‌است.

پیام جوان

سلام بر شما مخاطبان همیشگی «جوان». این ستون متعلق به شماست. دلگویه‌های شما عزیزان را از طریق شبکه‌های اجتماعی با شماره ۰۹۱۹۰۹۶۸۵۳۰ یا تلفن: ۸۸۴۹۸۴۴۸ پذیرا و شنوا هستیم. در نظر داشته باشید این ستون را مسئولان و مدیران باحساسیت ویژه می‌خوانند.

اسکن کنید

شهروند - تهران: مسمومیت دانش‌آموزان که بیشترشان در مدارس دخترانه است به صورت پشت سر هم در کشور زیاد شده‌است، هیچ ارگانی هم در این مورد با مردم صحبت نمی‌کند تا مردم بدانند چه اتفاقی افتاده‌است و منشأ این مشکل کجاست. امروز در تهران و بروجرد دانش‌آموزان مسموم و به بیمارستان برده شدند. والدین هم مشکلات معیشتی‌شان کم بود، این مشکل هم به مشکلاتشان اضافه شده‌است. با استرس دانش‌آموزانشان را راهی مدرسه می‌کنند. خانواده‌ها نگران سلامتی فرزندانشان هستند، مسئولان فکری به حال این مشکل کنند. خواهش می‌کنم هر چه سریع‌تر بساط کارها را جمع کنید و به مردم گزارش بدهید که چه کسانی پشت سر این حوادث هستند.

خبر کوتاه

سخنگوی قوه قضائیه با تأکید بر عدم اقدام مؤثر وزارت نفت در برابر اتلاف منابع و جلوگیری از آلودگی محیط‌زیست اظهارداشت: این موضوع از مصادیق تضییع اموال دولتی و تهدید علیه بهداشت عمومی است و گزارش ترک فعل وزیر وقت نفت، برای دادستان تهران ارسال شده، در مرحله بازپرسی و در شعبه تخصصی دادسرای عمومی و انقلاب تهران است.

مرکز امور بین‌الملل و مدارس خارج از کشور با اعلام اینکه بیش از ۶۷۰ هزار دانش‌آموز اتباع افغانستانی در ایران تحصیل می‌کنند که هزینه آموزش این دانش‌آموزان برای سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ بیش از ۳۵۲ میلیون دلار است، گفت: سازمان‌های بین‌المللی کمتر از ۹/۳ درصد هزینه تحصیل دانش‌آموزان اتباع افغانستانی را در دوسال گذشته در ایران پرداخته‌اند.